



دکتر محمدرضا سنگری

فضیلت‌ها و ویژگی‌های یاران امام حسین علیه‌السلام

۲. آزمودن و پالایش مستمر

امام عاشورا در هر موقعیت و منزلی یاران را می‌آزمود تا ناصافی‌ها و ناخالصی‌ها و عناصر سست و متزلزل همراه او نباشند. معماری ساختمانی بی‌بدیل در تاریخ نمی‌توانست با مصالحی سست و پوک و تهی صورت پذیرد. آزمون‌های امام هم گروهی بود و هم به شکل ویژه و گزیده؛ مثلاً در ذی‌حُسم با یک سخنرانی، فضایی برای آزمودن همگان فراهم آورد. در عذیب‌الهیجانان نیز به تلویح راه گشود تا اراده‌های سرگردان بروند. شب عاشورا نیز آخرین پالایش را فرصت آفرید تا فردای عاشورا را زلال و پاک و بی‌آلایش رقم بزند. گاه نیز برخی یاران را مستقلاً و به شکل فردی آزمود؛ مانند آزمودن بشرین عمر و حضرمی و نافع بن هلال.

نکته قابل توجه موقعیت‌های آزمودنی است؛ وقتی خبر اسارت فرزند بُشر می‌رسد؛ هنگامی که خبر شهادت مسلم بن عقیل و عبدالله بن یقطر و قیس بن مسهر صیداوی را به امام می‌رسانند؛ در شب عاشورا هنگامی که امان‌نامه آورده می‌شود، و فرصت تاریکی و وجود نقطه کور در میدان - ملاقات شبانه امام و نافع - همه‌وهمه گواه آن است که آزمون‌های امام هنگام تنگناها و در موقعیت‌های خطیر و خطر خیز صورت می‌پذیرفت.

سرفرازان بزرگ، سالکان پرورده و آبدیده، از طوفان موج‌خیز حادثه‌ها و آزمون‌ها پیروزمانده گذشتند و به ساحل فوز و فلاح رسیدند. اگر خداوند آزمون انسان را مستمر می‌داند - احسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون - و مواد آزمون را خوف و جوع و نقص اموال و جان‌ها برمی‌شمرد، همه یاران امام نیز در آزمونی مستمر و در خوفناک‌ترین لحظه‌ها، عطش‌بارترین صحنه‌ها و هنگام گذشتن از همه چیز خویش سربلند میدان بودند. برخی یاران، شاهد شهادت فرزند، برادر و دوستان نزدیک خود بودند. هانیه - همسر عبدالله بن عمیر - شهادت همسر جوانش را دید و بحریه شهادت فرزندش عمرو بن خیابه را، اما هیچ‌یک از این آزمون‌های سخت اراده‌ای را متزلزل و گامی را سست و ایستا نداشت.

پیوند و رابطه امام با یاران

از ظریف‌ترین، زیباترین و تأمل‌برانگیزترین مسائل عاشورا، نوع ارتباط امام با یاران و همسفران خویش است. این ارتباط آمیزه‌ای از ستایش، آزمایش و پالایش و رشدبخشی و آماده‌سازی است. ارتباط امام با یاران را در ابعاد آگاهی‌بخشی مستمر؛ آزمودن و پالایش مستمر؛ محبت و لطف سرشار؛ شخصیت دادن و منزلت‌بخشی به یاران می‌توان تحلیل و تبیین کرد.

۱. آگاهی‌بخشی مستمر

امام در آغاز سفر و منزل به منزل به چند مسئله به روشنی و صراحت اشاره می‌کند:

- یبدا و ستم بنی‌امیه؛ شهادت چهره‌های بزرگ و سرشناس و اصحاب بزرگوار پیامبر و علی علیه‌السلام و شیعیان مظلوم.
- فرجام راه؛ که کشته شدن خود - همچون حضرت یحیی علیه‌السلام - و کشته شدن یاران و همسفران است.
- طرح روایاتی از پیامبر؛ که به محل شهادت خود و شهادت خانواده‌اش - میان نواویس و کربلا - و به اسارت اهل بیت اشاره می‌کرد.
- تحت تعقیب بودن و سرانجام کشته شدن در هر شرایطی؛ وی به ام‌سلمه - همسر بزرگوار پیامبر - فرمود: «به خدا سوگند، من کشته می‌شوم و اگر به عراق نروم باز هم مرا خواهند کشت».
- تحلیل و تبیین اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه؛ طرح دگرگونی ارزش‌ها؛ تبدیل معروف به منکر و منکر به معروف؛ سست‌عهدی دنیاپرستان؛ کم‌بودن دینداران در شرایط سخت و دشوار و مسئولیت خطیر مؤمنان و مجاهدان در چنین شرایط و موقعیتی.
- امام در این آگاهی‌بخشی گاه از «خود» گاه از «راه» گاه از «زمانه» و گاه از فرجام راه، سخن می‌گفت تا یاران با بینش و بصیرت، گام در راه بگذارند و تنها احساسات یا انگیزه‌های زودگذر عامل حرکت و همراهی نباشد. چرا که ساختن کربلایلی بزرگ، بصیرت و روشن‌بینی خاصی می‌طلبید.